

متن پرسش

سلام استاد بزرگوار: در این چند سالی که با شما آشنا شدم می بینم که هر موقع پای عرفان ناب شیعی در این زمانه مطرح می شود، شما مخاطبین را به سمت عرفان حضرت امام خمینی رضوان الله علیه سوق می دهید. خب بنده یک جوان طلبه بیست و چند ساله هستم. چطوری باید به نور عرفان حضرت امام رضوان الله علیه حرکت کنم؟ مقداری آثار امام را مطالعه کردم (مثل آداب الصلاة، شرح چهل حدیث) و حالاتی که وقتی آثار حضرت امام (ره) رو کار می کردم عجیب تر بود تا وقتی آثار علامه تهرانی و علامه حسن زاده رو کار می کردم که به توصیف در نیامد. کتاب ادب خیال عقل و قلبتون رو خوندم مخصوصا بارها فصل دومش رو خوندم که در مورد مطالعه هست و البته سیر پیشنهادی کتب حضرت امام رو هم دیدم ولی بنده برنامه مطالعاتی دارم و فعلا برنامه مطالعاتی کتب امام رو نمیخوام، بلکه فقط میخوام بدونم چه کنم تا به همه شخصیت‌ها، رنگ و بوی عرفان امام و زندگی توحیدی به سبک امام را بزنم؟ مدتی به سمت کتب بزرگان عرفانی مانند علامه تهرانی و علامه حسن زاده رفتم. راستش استاد نمیدونم بگم یا نه، عرفان‌هایی مثل عرفان علامه حسن زاده و علامه تهرانی رو که کار می کردم در عین حالی که الحمدلله خدا حالات خوشی نصیب می فرمود ولی، مدام با کنایه‌های دوستان و اطرافیان مواجه بودم که می گفتند این بزرگان عرفانشان از سیاست جداست، اخلاقی که اینها می گویند و عرفان اینها، عارف هم تربیت کند، اما عارف انقلابی و مجاهد پرورش نخواهد داد و بنده از پاسخ دادن عاجز بودم خلاصه فعلا نمیدونم چیکار کنم. یعنی عرفان مگه چیه آخه؟ یعنی مگه عرفان اون‌ها، عارف برای این زمانه تربیت نمیکند؟! مگه همه از قرآن و روایات این عرفان ناب رو استخراج نکردند؟! خب مگه یک شخصیت‌های بزرگی مثل علامه تهرانی که آقای سید هاشم حداد در وصفشون فرمودند «سید الطائفتین» و علامه حسن زاده‌ای که خود شما می فرمایید عرفانی که برای تمدن اسلامی نیاز داریم رو ایشان دارن تنظیم میکنن، عرفانشون و راهشون غیر از حضرت امام (ره) است؟! خیلی گیج شدم استاد چند وقتی به نتیجه درستی نمی رسم. هر کاری لازمه برای فهمیدن عرفان امام و اینکه چطور به سمت عرفان امام پله به پله حرکت کنم می فرمایید استاد؟ برخی‌ها، مثلا علامه تهرانی رحمه الله علیه رو میگن از امام (ره) هم بالا تر هستند و غیره، ولی من کاری به این کارا که میشینن مقام تراشی میکنن و مقایسه الکی میکنن بین بزرگان ندارم و میدونم هر کدومشون طبق وظیفه خودشون عمل کردند ولی فکر می کنم برای جوانی مثل من و در زمانی مثل این زمان با توجه به انقلابی که شد، باید راه امام (ره) را پیش بگیرم. نمیدونم چیکار باید بکنم؟! هم علاقه‌مند به عرفان و سیر و سلوکم. هم میخوام بهترین راه رو پیش برم که ضرر نکنم و حسرت نخورم. راستی صحبت از

مکتب عرفانی امام بزرگوار که همیشه، برخی میگویند، شهداء نمونه خوبی برای نمایش این مکتب عرفانی هستند ولی برخی هم میگویند شهدا که به اون مقامات بسیار بلند نرسیدند ولی مثلاً علامه تهرانی به مقام بقاء بعد از فنا _ که من نمیدونم چی هست این مقامات _ رسیدند و شاگردانی که در سیر ایشان رشد میکنند خیلی جلو می افتند ولی شهدا درسته به مقامات بالایی رسیدند ولی هرگز به پای امثال علامه تهرانی و علامه حسن زاده و سیرهای اون طوری نمیرسن. یه جمله ای هم آقای لاریجانی شاگرد علامه حسن زاده حفظه الله که شبکه چهار میان می فرمودند درباره دلدادگی حضرت علامه حسن زاده به شهدا و نقل می کردند که (قربیب به مضمون) یه روز با استاد رفتیم گلزار شهدای آمل، به محضی که استاد به قبر شهدا رسیدند مانند مادر فرزند مرده گریه می کردند و اشک می ریختند و بعدش من پرسیدم آقا مگه شهدا چه حقیقتی دارند؟! فرمودند اینها بالاتر از عرفا هستند، عارف تلاش میکنه به مقام فنا برسه، ولی اینها از اولیا هستند و به فنا رسیدن. البته بماند که شخصی این مسئله رو تأویل برد و گفت حضرت علامه این کلام را قبل از رسیدن به توحید گفتند، وگرنه افرادی که به توحید می رسند درباره شهدا از این حرف ها نخواهند زد!! ببخشید استاد زیاد نوشتم. خیلی حرف ها داشتم در این موضوع و واقعا این برام یک سنگ راه شده.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده می‌توانید در بستر انقلاب اسلامی و برای عبور از ظلمات زمانه و چنگال‌های شیطان در همه‌ی ابعاد آن به اساتیدی مثل آیت الله حسن‌زاده و علامه طهرانی رجوع فرمایید تا این‌شاءالله خودتان متوجه حقیقتی که از طریق شهداء به این تاریخ برگشته است، بشوید. و اتفاقاً هر اندازه به توحید نزدیک شوید، در زیارت شهداء بیشتر بهره می‌گیرید. همان‌طور که متوجه‌اید این مقام‌تراشی‌ها برای امثال علامه طهرانی یک نوع فرقه‌بازی است و نه عرفان. موفق باشید